

## شخصیت زن در قرآن و عهدین

سید کبیر حسینی\*

### چکیده

بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای وضعیت زن در میان ملل مختلف به‌خصوص ادیان آسمانی موجب نزدیکی بیشتر بین ادیان مختلف از یک‌سو و روشن شدن جایگاه و موقعیت زن از سوی دیگر می‌گردد. به‌طور کلی می‌توان گفت، وضعیت زن در طول تاریخ و اقصی نقاط دنیا از غرب عالم مانند فرانسه و یونان و روم گرفته تا شرق دنیا مانند هند، چین، استرالیا و از جمله مصر و ایران و عرب جاهلی، اسفبار و تأثیربرانگیز بوده است. زنده‌به‌گور کردن، رها کردن در سرما و گرما و بیابان‌ها، بهره‌کشی و استثمار و حتی کشتن و خوردن زنان در تاریخ ثبت شده است. با ظهور اسلام و نزول قرآن کریم، زن جایگاه شایسته و لایق به شأن خود را یافت و در قالب انسان از نوع زن تعریف شد. نه جنسیتش فراموش شد و نه انسانیتش مورد بی‌مهری قرار گرفت و متناسب با آن دو عامل، مورد عنایت خداوند قرار گرفت و برایش حق و وظیفه تعیین شد. نگارنده در این مقاله سعی بر آن دارد که با مقایسه شخصیت زن در قرآن و عهدین به‌جای گاه واقعی زن از نگاه قرآن دست یابد.

**واژگان کلیدی:** حقوق زن، عرب جاهلی، اسلام، یهودیت، مسیحیت، آفرینش زن، عهدین.

---

\* دانش‌پژوه دکترای تفسیر تطبیقی، جامعه‌المصطفیٰ ﷺ العالمية - مشهد مقدس.

## مقدمه

مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای به مراتب ثمربخش‌تر از مطالعات تک‌بعدی و یک‌سویه است. یکی از مجال‌های مطالعات تطبیقی، کاوش موضوعات مختلف بین منابع ادیان به‌خصوص قرآن و عهدین است. یکی از موضوعات مهم و کاربردی در این زمینه موضوع جایگاه زن در قرآن و عهدین است.

در طول تاریخ انواع ظلم، تجاوز و استثمار در مناطق مختلف در حق زن انجام شده است. به همین خاطر یکی از موضوعات موردبحث و گفتگوی ادیان مختلف، از جمله یهودیت، مسیحیت و اسلام موضوع زن بوده است. سؤالی که در اینجا می‌توان مطرح نمود این است که در ادیانی الهی همچون یهودیت، مسیحیت و اسلام زن چه جایگاهی دارد؟ آیا حقی برای زن در نظر گرفته شده است؟ آیا اصولاً زن به‌عنوان یک انسان موردپذیرش قرار گرفته است؟ نوشته حاضر، ابتدا وضعیت اسفناک زن در یونان، روم، هند، چین، فرانسه، استرالیا، عرب جاهلی، مصر و ایران بیان نموده؛ سپس برخورد سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام با سه جایگاه زن؛ یعنی فرزند، همسر و مادر را با استفاده از متون دینی آن‌ها مقایسه نموده است.

### ۱. پیشینه تحقیق

کتاب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی در خصوص جایگاه و شخصیت زن در قرآن و عهدین به رشته تحریر در آمده است. برخی از آن‌ها عبارت انداز:

۱. شخصیت زن در قرآن کریم و عهدین نوشته حبیب مظاهری.
۲. شخصیت زن در قرآن و مقایسه آن با عهدین نوشته دل‌آرا نعمتی پیر علی.
۳. سیمای زن در قرآن و عهدین نوشته مرضیه نوری.
۴. حقوق زن در قرآن و عهدین (بررسی تطبیقی) نوشته طاهره نور حسن فتیله.
۵. درس‌نامه مطالعات تطبیقی زن در قرآن و عهدین اثر فاطمه عبدالکریم العقیلی.
۶. مقایسه متون مربوط به زن در قرآن، تورات نوشته حمید شهریاری و سادات

حسینی. (noormags.ir)

به نظر می‌رسد برای اینکه مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای خود را در این بخش عمق و غنای بیشتری ببخشیم؛ باید از صورت تکراری «زن در قرآن و عهدین»، عبور نماییم و حیثیت‌های مختلف زن را در قرآن و عهدین مورد کاوش و مذاقه قرار دهیم. نوشته حاضر با نگاهی به تحقیقات انجام شده سعی دارد سه حیثیت مختلف زن؛ یعنی فرزندی، همسری و جایگاه مادر را در قرآن و عهدین بررسی نماید.

## ۲. زن در تاریخ و اقوام گذشته

از مطالعه تاریخ قبل از اسلام روشن می‌شود که زن به‌عنوان آلت و ابزار اقوام و قبایل غیر متمدن و به‌عنوان کالای بی‌ارزش و برای بهره‌برداری جنسی قرار می‌گرفت و هیچ‌گونه جایگاهی در خانواده و اجتماع نداشت. (حمید شهریاری و سادات حسینی، زمستان ۱۳۸۸: ۱۵۶) در راستای این دید ابزار گونه به وی، بشر شاهد بدترین رفتارها و جنایات در حق زن بوده است. در اقصی نقاط این کره خاکی و در طول تاریخ، بخصوص قبل از اسلام در حق زن اعمال و رفتارهای ناجوانمردانه و جنایت‌کارانه صورت پذیرفته است. با مرور اوراقی از تاریخ در این خصوص، شاهد رفتارها و اعمالی چه‌بسا بدتر از رفتار با حیوانات هستیم که موجب تأثر و تأسف وجدان‌های بیدار است.

### الف) جایگاه زن در یونان

یونانیان عموماً زن را موجودی پست می‌دانستند که تنها برای ادامه نسل و امور خانه کارایی داشت. اگر زن بچه ناقصی می‌زاید، آن زن را می‌کشتند. زن در قوانین یونان اصلاً از خود اختیاری نداشت. در کودکی مطیع پدر، در جوانی مطیع شوهر، در زمان بیوه شدن مطیع پسران و اگر پسری نداشت، باید مطیع خویشاوندان می‌بود. (لوبون، ۱۳۲۴: ۵۰۹)

در قوانین یونان باستان، زن هیچ‌گونه حق و ارزشی نداشت و به‌عنوان شریک زندگی مرد محسوب نمی‌شد؛ زیرا اعتقاد یونانیان بر این بود که زن زاییده شیطان و عضو پاک نشدنی است. به همین خاطر او را در هیچ کاری مداخله نمی‌دادند. «در اسپارت که از شهرهای یونان است، اگر زنی از پسر زاییدن محروم می‌شد، او را به مرگ محکوم



می کردند.» (کمالی، ۱۳۷۵: ۱۴) همچنین، زن جزو کالاهای تجاری بود و در بازارها خرید و فروش می شد و بعد از فوت شوهر، حق زندگی نداشت. (نوری، ۱۳۴۷: ۱۵)

### ب) جایگاه زن در روم

در اعتقاد رومیان نسبت به زنان چنین نقل شده:

زن مظهر شیطان و از انواع ارواح موذی بود و به این خاطر از خندیدن و سخن گفتن او جلوگیری می کردند. در روم، زنان همیشه تحت کفالت بودند. مادر بودن یا همسر بودن در این باب دخیل نبود. زنان رومی در حقیقت، اشخاص به شمار نمی آمدند؛ بلکه جزو اشیا بودند و پس از مرگ مانند اشیا به ارث برده می شدند. (ربانی خلخالی، ۱۳۹۹: ق: ۲۳)

### ج) جایگاه زن در هند

در آیین بودائی نیز زنان از حقوق و منزلت خانوادگی و اجتماعی محروم بودند و این نگرش در میان بسیاری از آنان مرسوم بود که زن را دروازه اصلی جهنم می دانستند. (طاهری، ۱۳۷۵: ۶۴) زنان علاوه بر محرومیت از کسب دانش، در بسیاری از موارد قربانی آداب زشت جاهلی بودند و حتی سوزاندن زنان پس از مرگ شوهرانشان نیز مرسوم بود. زن را وجودی فرعی برای مرد به حساب می آوردند. تا روزی که مرد زنده بود، همسرش حق حیات داشت و روزی که شوهر از دنیا می رفت، زن را زنده زنده با او دفن می کردند؛ زیرا معتقد بودند: زندگی زن پس از شوهر ارزش ندارد و باید در قبر خادم شوهر باشد و این تفکر هنوز در نزد برخی از مردم در جامعه هند وجود دارد. (قائمی، ۱۳۶۳: ۲۸)

همچنین در هند چند زن معمولاً امتیاز مرد بود. مرد بر زنان و فرزندان خود حق تملک داشت و می توانست در موارد خاص، آنان را بفروشد، یا از خانه بیرون کند. (دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۲۸: ۳۰۹-۳۱۰) تا مدت ها پیش برای رضایت خاطر «کالی» که یکی از خدایان هندیان است، زنان حامله را سر می بریدند، آنگاه خون او را به قربانگاه پاشیده و سر او را در نزد معبود خود تقدیم می کردند. (موسوی مبلغ: [maarefquran.org](http://maarefquran.org))



## د. جایگاه زن در چین

در چین در مواقع سختی، اگر دختری بر دختران متعدد خانواده افزوده می‌شد، امکان داشت که نوزاد بی‌گناه را رها کنند تا در سرما بمیرد یا خوراک گرازان شود. (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۱: ۸۵۴) آن‌ها همچنین مانند عرب جاهلیت دختران خویش را زنده‌به‌گور می‌کردند. نزد بعضی از چینی‌ها تا نزدیک به عصر حاضر، زن کمترین قیمت و ارزشی نداشت. اگر مادری دختر به دنیا می‌آورد، خویشاوندان به عوض مبارک باد به پدر و مادر تسلیت می‌گفتند و پدر و مادر تا می‌توانستند، نوزاد دختر را از خود می‌رانند یا در بیابان می‌انداختند یا می‌فروختند. (maarefquran.org)

## ه) جایگاه زن در فرانسه

در فرانسه زن را رفیق مار و فرستاده شیطان می‌دانستند که برای بقای نسل به شکل انسان در آمده است. حتی مجمع دینی فرانسه در سال ۱۳۰۸ میلادی پس از بحث‌های زیاد، زن را انسانی در خدمت مردان دانست. (ربانی خلخالی، ۱۳۹۹، ق: ۶۹)

## و) جایگاه زن در استرالیا

در استرالیا زنان را در ردیف حیوانات اهلی می‌دانستند و در سال‌های قحطی آنان را می‌کشتند و می‌خوردند و پس از مرگ شوهر فدای شوهر می‌کردند. علاوه بر آن، زنان حق نشستن سر یک سفره با مردان را نداشتند و صبر می‌کردند تا شوهرشان سیر شود و بعد از آن با اجازه شوهر غذا را میل کنند. (طاهری، ۱۳۷۵: ۷۶)

## ز) جایگاه زن در عرب جاهلی

به استناد آیات قرآن، بی‌رحمانه‌ترین رفتار را عرب جاهلی با زنان و دختران داشت. خداوند در آیاتی به این حقیقت اشاره دارد: «آن هنگام که مژده تولد دختری به یکی از آن‌ها داده می‌شد از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه می‌شد و سخت دل‌تنگ می‌شد و به خاطر این ننگ روی از قوم خود پنهان می‌نمود و به فکر می‌افتاد که آیا آن دختر را با



ذلت و خواری نگه دارد یا آن که زنده در گورش کند. آگاه باشید که آن‌ها بسیار بد حکم می‌کنند.» (نحل: ۵۸ و ۵۹) همان گونه که از قرآن عظیم‌الشان استفاده می‌شود، بزرگ‌ترین نشانه ناراحتی آنان از ولادت دختر این بود که در بسیاری از قبیله‌ها نوزادان دختر را بلافاصله می‌کشتند و یا زنده به گور می‌کردند. جریان قیس بن عاصم که پس از مسلمان شدن در حضور پیامبر ﷺ به زنده به گور کردن همه دختران خود اعتراف کرد، در تاریخ عرب جاهلی ثبت شده است. (سبحانی، ۱۳۸۳: ۴۵)

از دیگر مختصات عرب جاهلی بی‌حدومرزی در ازدواج و چند زنی و عدم انفاق و تأمین زنان، ازدواج ضماء (ازدواج چند مرد با یک زن)، نکاح مقت (ازدواج پسر بزرگ خانواده با همسر پدر متوفایش)، نکاح جمع (به زنا و داشتن کنیزان)، نکاح بدل (تعویض همسران)، نکاح خدن (زنا یا پنهانی)، سفاح (زنا)، نکاح شغار (نکاح خواهر یا دختر طرف مقابل به ازای خواهر یا دختر خود)، ازدواج اجباری و... بود. همچنین زنان نه تنها از مهر و نفقه و ارث محروم بودند؛ بلکه با اجبار آن‌ها به کارهای شاق و طاقت‌فرسا آن‌ها را استثمار می‌کردند. (موسوی مبلغ: maarefquran.org)

### ح) جایگاه زن در دیگر تمدن‌ها

مصر برای زیاد شدن رود نیل، دختران را به زیور آراسته و در آن غرق می‌کردند. در کشورهای اسکانندیناوی تا سال ۱۳۹۲ میلادی به دختر هرگز ارث نمی‌دادند. در ایران قدیم، چه در میان طبقه اشراف و چه طبقات پایین‌تر جامعه، زن هرگز حق آزادی و اختیار و اظهارنظر در تشخیص خیر و شر و تصمیم در امور زندگی خود نداشت و در اظهارنظر برای گزینش شوهر نیز مجاز نبود. اختیار زنان و دختران در همه زمینه‌های حقوقی با اولیا و یا شوهران آنان بود. به گفته بعضی مورخان در ایران قدیم بر اساس اندیشه غلط، حفظ نسب خانواده و مخلوط نشدن خون این خانواده با خانواده دیگر، ازدواج با محارم را حتی برادر با خواهر، جایز و گاه لازم می‌شمردند. (موسوی مبلغ: maarefquran.org)

### ۳. آفرینش زن

#### الف) آفرینش زن در عهدین

برخورد عهدین با جنس زن بر خوردی تبعیض آمیز و نارواست. در عهدین از تولد دختر گرفته تا نقش زن به عنوان همسر و شریک زندگی مرد و تا رسیدن زن به مقام و جایگاه مادر، برای هیچ کدام از موقعیت‌های زن بر خوردی انسانی صورت نمی‌گیرد؛ البته گاهی به مراعات زن به عنوان همسر و مادر توصیه‌هایی می‌شود. با نگاهی به کتاب مقدس درمی‌یابیم که زن در آن به عنوان پاره‌ای از جسم مرد آفریده شده است که همواره وابسته و نیازمند به جنس مذکر است، در تورات می‌خوانیم:

آنگاه خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد و از آن دنده، زنی سرشت و او را پیش آدم آورد. (تورات، سفر پیدایش، باب ۲، فقره ۲۱-۲۴)

بناء آفرینش مرد اصالی و آفرینش زن تبعی و طفیلی است. خداوند خواسته است تا آدم علیه السلام تنها نماند. برای اینکه همدم و مونس برای آدم علیه السلام باشد حوا را آفرید. فقرات قبلی تورات گواه این مدعا است. آنجا که خداوند می‌فرماید:

شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای او یار مناسبی به وجود آورم. مخصوصاً زمانی که خداوند همه حیوانات و پرندگان را که از خاک سرشته بود، نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نام‌هایی بر آنها می‌گذارد و زمانی که تمام حیوانات و پرندگان توسط آدم نام‌گذاری شدند، برای او یار مناسبی یافت نشد. (تورات، سفر پیدایش، باب ۲، فقرات ۱۸ تا ۲۰)

گویا خداوند می‌خواسته از میان حیوانات یار مناسبی برای آدم تعیین نماید؛ اما نشده است. آنگاه زن را از دنده چپ آدم آفریده است. به عقیده یهود، زن حیوانی است که بیش از سایر حیوانات به انسان شباهت دارد. به تعبیر دیگر، زن برزخی بین انسان و حیوان است. (دورانت، ۱۳۷۶: ۱۴۸ و ۱۴۹؛ سفر پیدایش، باب ۲۴ فقره ۶۰ به نقل از: شهریاری: ۱۶۷)

مسیحیان نیز به زن نگاهی همانند یهودیان دارند؛ زیرا معتقدند خداوند مرد را از جنس خود که روح بوده، آفرید؛ اما آفرینش زن، تنها از جسم مایه گرفته است. (سعداوی،

۱۳۵۹: ۱۷۸) وجود تبعی و طفیلی زن در عهد جدید هم روشن و نمایان است؛ چنانکه در عهد جدید می‌خوانیم:

و نیز مرد بی‌جهت زن آفریده نشد بلکه زن برای مرد. (رساله پولس، قرنتیان ۱۱: ۹) بر اساس انجیل، زنان خلقت مستقلی ندارند و فقط وسیله‌ای برای مرد هستند: اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد. (رساله پولس، اول قرنتیان ۱۱: ۳)

در مهم‌ترین بخش از عقاید کلامی مسیحیت این باور وجود دارد که خدا از روح خود در عذرا دمید و جنین عیسی علیه السلام در رحم مادرش جان گرفت؛ به عبارت دیگر، روح عیسی علیه السلام از خدا و جسم او از مادرش بوده است. بدین ترتیب و برابر آنچه در مسیحیت کنونی آمده، زن موجودی ناقص و کنیز و برده‌ای در خدمت مرد است و مرد همواره باید بکوشد تا از شر او در امان بماند.

### ب) آفرینش زن در قرآن

قرآن عظیم‌الشان هم در آیاتی به آفرینش آدم و حوا اشاره نموده است؛ مثلاً در سوره نساء می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...﴾ (نساء: ۱) «ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معتترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید.»

در سوره انعام تعبیر ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ (انعام: ۹۸) را آورده و در سوره زمر تعبیر ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (زمر: ۶) استفاده شده است. سخن در ﴿خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ و یا ﴿أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ و یا ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ



وَاحِدَةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا ﴿۱﴾ است. آنچه از گفتار مفسران در تفسیر قرآن در خصوص آفرینش آدم و حوا استفاده می‌شود، این است که قرآن برخلاف تورات، معتقد نیست که زن از دنده چپ آدم آفریده شده است. مفسران کلام الهی، تفسیری مطابق با دیدگاه تورات مبنی بر آفرینش زن از دنده چپ آدم ﷺ را ارائه نمی‌دهند. مثلاً علامه طباطبایی معتقد است که بر آفرینش زن از دنده چپ مرد، نمی‌توان دلالت قرآنی پیدا کرد. (تاجری نسب و بهادری، بهار ۸۹: ش ۶)

مرحوم طالقانی هم بر همین عقیده‌اند و این‌گونه استدلال می‌کند:

ظاهر «نَفْسٍ» در این آیه، همان منشأ حیات است؛ زیرا اگر نظر به شخص باشد، آدم ابوالبشر یا هر انسان معهود و منظوری، باید «من النفس» گفته شود و صفت مؤنث واحده و ضمیرهای «مِنْهَا زَوْجَهَا»، متناسب نیست؛ چون آنجا که منظور شخص است، صفت و ضمیر مذکر آورده می‌شود؛ مثل «جاءنی النفس الواحد، عندی خمسة عشر نفساً» و نیز چون النَّاسُ، عام و شامل همه است، گرچه خطاب متوجه به موجودین می‌باشد، آدم، هم مشمول آن است و او هم از نفس واحده آفریده شده است. نفس واحده در آیه، مانند «وَوَ نَفْسٍ وَا مَا سَوَّاهَا فَالَهُمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» است که نظر به همان موجود زنده حیاتی است. پیش از آنکه به صورت کامل انسانی درآید و ملهم به فجور و تقوا شود؛ همچنان که کلمه نفس به هر جاندارگی گفته می‌شود. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۱۵)

آیت‌الله جوادی آملی مراد از نفس را در آیه اول سوره نساء را گوهر و ذات و اصل و واقعیت عینی شیء می‌داند نه روح و جان یا روان. وی معتقد است که خداوند اولین زن را از همان ذات و اصلی آفریده است که همه زن‌ها و مردها را از همان اصل آفریده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ش ۴۲ و ۴۳ و ۴۴)

نتیجه فرمایشات مفسران این است که خداوند آدم ﷺ و حوا را از یک ذات و گوهر آفریده است. به تعبیری منشأ حیات هر دو یک چیز است. می‌توان گفت که خداوند حوا را از همان جنسی که آدم ﷺ را آفریده خلق کرده است نه اینکه از اصل وجود آدم ﷺ، مثلاً



دنده چپ وی خمیرمایه وجودی زن را آفریده باشد؛ همان گونه که تورات می گوید؛ البته روایاتی وجود دارد که از مجموع آن ها استفاده می شود که حوا از دنده چپ آدم آفریده شده است و به این نکته هم اشاره شده است که دنده مردان ناقص است؛ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴: ۳۲۶ و ۳۲۸؛ نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷: ۲۲۲؛ رک: تاجری نسب، ۱۳۸۹: ۱۶ و ۱۷ و ۱۸) اما دسته دیگری از روایات برخلاف این دسته هستند. بر اساس این دسته، آدم علیه السلام از خاک آفریده شده و از باقیمانده آن خداوند حوا را آفریده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۹۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۴۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۰: ۲۴۱؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۴۷۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۱۳؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱: ۲۲۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۳۸۰) تقریباً به همین مضامین روایتی در کتاب وسائل الشیعه و جامع احادیث الشیعه بروجردی هم وجود دارد. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰: ۱۳؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۷۴)

### تحلیل و بررسی

روایات دسته دوم مورد اعتماد مفسران هم واقع شده است و از آن برای فهم آیات الهی استفاده نموده اند؛ بنابراین، باید گفت: اولاً روایات دسته اول بر فرض صحت اسناد آن ها، علاوه بر تعارض با دسته دوم، تأییدی از قرآن بر آن ها نداریم، ثانیاً با واقعیات عینی سازگاری ندارند؛ زیرا می بینیم که دنده های مردان با زنان مساوی می باشد و کمبودی در آن ها مشاهده نمی شود، ثالثاً روایاتی هم وجود دارند که به شدت با دسته اول تعارض دارند و آفرینش حوا از ضلع آدم علیه السلام را مردود دانسته اند. مثلاً بر اساس روایتی، امام صادق علیه السلام به شدت با اعتقاد به آفرینش حوا از ضلع آدم علیه السلام برخورد نموده و آن را رد نموده اند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۳۷۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۱: ۸۵؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۱۶) مضمون روایت این است که فردی نزد امام صادق علیه السلام اعتقاد و یا گفتار افرادی را در خصوص آفرینش حوا نقل می کند که بر اساس آن حوا از ضلع آدم علیه السلام خلق شده است و امام علیه السلام این اعتقاد را رد نموده و به صورت پرسش انکاری می فرماید: «آیا خداوند قادر نیست که برای آدم علیه السلام همسری از غیر ضلع خودش بیافریند؟» علاوه بر

این‌ها روایاتی که می‌گویند حوا از دنده چپ آدم علیه السلام خلق شده است با گفته تورات در این خصوص موافق می‌باشد که از این رهگذر احتمال می‌رود که این دسته از روایات از روایات مجعول و از جمله اسرائیلیات باشد.

#### ۴. جایگاه فرزند دختر

##### الف) جایگاه فرزند دختر در عهدین

تولد دختر در آیین‌های یهود و مسیحیت یک خسارت به حساب می‌آید. همچنین دختر مولودی دردناک و موجودی برای آبروریزی پدرش به حساب آمده و توصیه می‌شد به شدت مراقبش باشد تا وی سبب خنده‌ی دشمنانش نشود و سر زبان‌ها نیفتد و در معرض شایعات مردم، قرار نگیرد و آبروی خود را در میان مردم نریزد. (انجیل کاتولیک، فصل ۳، آیه ۲۲) موجه بودن فروش دختر به عنوان کنیز در تورات، کتاب مقدس یهودیان به چشم می‌خورد. (سفر خروج، باب ۲۱ فقره ۷) تعلیم زن و دختر از تعلیم ممنوعه‌ای است که در عهدین به چشم می‌خورد:

و باید که زن به آرامی و با کمال اطاعت گیرد و زن را به تعلیم دادن اجازه نمی‌دهیم تا آن که زیر دست مرد باشد، بلکه سکوت اختیار کند، آدم خلق شد و حوا، آدم فریفته نشد؛ بلکه زن فریفته شد و از حد تجاوز نمود. (نامه اول پولس به تیموتایوس، باب دوم، آیات ۱۱ تا ۱۴)

همچنین دختر زائیدن موجب می‌شود تا زن دو برابر زمانی که پسری به دنیا می‌آورد، نجس باشد. (کتاب مقدس، لاویان ۱۲: ۱-۵) ضمناً زن به حکم تورات هنگام عادت ماهانه و زایمان نجس است.

##### ب) جایگاه فرزند دختر در قرآن

برخلاف تبعیضات ناروایی که در میان اقوام و ملل گذشته در خصوص دخترزایی وجود داشته است، قرآن تبعیضی بین پسر و دختر قائل نشده است و دختر را همانند پسر، هدیه‌ای از جانب خداوند دانسته است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:



﴿... يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَّا وَ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ﴾ (شوری: ۴۹) «...خداوند به هر

کس بخواند، دختر عطا می‌کند و به هر کس بخواند، پسر می‌بخشد.»

ماده (وهب) به معنای اعطاء و بخشش بدون غرض و عوض است. (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۳ ص ۲۱۰) در این آیه دختر و پسر هر دو بدون تبعیض، هبه و عطای الهی دانسته شده‌اند و در سوره آل عمران که می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ

كَالْأُنثَىٰ وَ إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ...﴾ (آل عمران: ۳۶) «چون فرزند خویش بزاد، گفت: ای

پروردگار من، این که زاییده‌ام دختر است- و خدا به آنچه زاییده بود دانایتر است- و پسر چون دختر نیست. او را مریم نام نهادم...» بعضی از مفسرین این گونه نظر داده‌اند که ای مادر مریم هیچ فرزند پسری به درجه و مرتبه فرزند دختر نمی‌رسد. (بانکی پور فرد، بهار ۸۵: ۴۶ و ۴۷) بر اساس این تفسیر، جایگاه دختر چه بسا برتر از پسر دانسته می‌شود.

قرآن همچنین از دختران بی‌گناهی که صرفاً به جرم دختر بودن زنده‌به‌گور شدند، یاد

می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ (تکویر: ۸ و ۹) «و چون از

دختر زنده‌به‌گور شده پرسیده شود که به چه گناهی کشته شده است» و تأسف و انزجار خود را از چنین اعمال زشت و ناروایی اعلام نموده و با این رفتار دردمندانه مقابله می‌کند.

پیشوایان دینی نیز، عنایت خاصی به دختر داشته‌اند، مثلاً از رسول اعظم اسلام ﷺ

نقل شده که فرمودند: نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطِّفَاتٌ مُّجَهِّزَاتٌ مُّوَسِّئَاتٌ مُّبَارَكَاتٌ مُّفْلِحَاتٌ.

(راوندی کاشانی، بی‌تا: ۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱: ۳۶۲؛

کلینی، ق ۱۴۲۹، ج ۱۱: ۳۳۶) دختران چه فرزندان خوبی هستند؛ زیرا گرم و با لطافت‌اند.

آماده به خدمت‌اند. انس‌گیر و بابرکت و پاکیزه‌اند. همچنین می‌فرمایند: «دختران خود را

ناپسند ندانید، همانا دختران، مونس انسان و گران‌بهایند.» (کنز العمال، حدیث ۴۵۳۷۴) «هر

کس دخترش را بزرگ گرداند و با او رفتار نیک داشته باشد، آن‌ها از جانب خداوند، در

مقابل آتش دوزخ حراست خواهند شد.» (کنز العمال، ج ۱۶: ۴۵۲)

پیامبر اعظم اسلام ﷺ در عمل هم رفتاری نیکو و مناسب و سراسر لطف و مهر و محبت با یگانه دخترشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله در گرامیداشت و احترام به دخترش فاطمه علیها السلام پیش گام و الگوی دیگران بود و می فرمودند: «در هدیه دادن به فرزندان تن برابری را رعایت کنید، ولی اگر ناگزیرید برخی از آن ها را بر دیگری ترجیح دهید، دختران را بر پسران مقدم دارید.» (کنز العمال حدیث ۴۶ ۴۳۵) در حالات آن حضرت آمده است که زمانی که به حضرتش مژده دختری داده می شد، می فرمود: ریحانه ای است و رزق آن بر خداوند است. (نوری، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۵: ۱۱۵) در روایتی دیگر از آن بزرگوار آمده است: کسی که یک دختر داشته باشد، خداوند آن را سپری از آتش برایش قرار می دهد و کسی که دو دختر داشته باشد به واسطه آن دو، خداوند وی را وارد بهشت می گرداند و اگر سه دختر یا سه خواهر داشته باشد، تکلیف جهاد و صدقه از وی برداشته می شود. همچنین دختر بهترین فرزند دانسته شده است. در روایت دیگر دختران حسنه و پسران نعمت خوانده شده است و تفاوت آن دو در این دانسته شده است که خداوند در قبال حسنه پاداش می دهد؛ اما از نعمت ها بازخواست و پرسش می کند که امتیاز دیگری برای جنس دختر است. (طبرسی، ۱۴۱۲، ق: ۲۱۹؛ نوری، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۵: ۱۱۶) همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در هر خانه ای که دخترانی وجود داشته باشند، هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان نازل می شود و پیوسته فرشتگان به زیارت آن خانه می روند و هر روز و شب عبادت یک سال را برای پدرشان می نویسند. (نوری، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۵: ۱۱۶) همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به پدر دختران رحمت فرستاده و با تعبیر «رحم الله ابا البنات» چنین پدری را گرامی داشته است و دختران را مبارک و دوست داشتنی و از جمله باقیات الصالحات برشمرده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ق، ج ۲: ۶۲۱) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خصوص مادرشان حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: «دختر پیامبر صلی الله علیه و آله برای من الگویی نیکوست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳: ۱۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۱، ق: ۲۸۶)

## ۵. جایگاه زن (همسر)

### الف) جایگاه زن (همسر) در عهدین

زن در متون دینی مسیحیت و یهود نه تنها جایگاه شایسته و لایق به شأن خود را ندارد؛ بلکه در حد حیوانات و حتی پایین‌تر از آن از چشم‌ها افتاده و خوار و بی‌مقدار است. عهدین، مقام زن را چنان پایین می‌آورد که رابطه وی در مقابل شوهرش، مانند رابطه عبد با معبود و بنده با خداست:

ای زنان، شوهران خود را اطاعت کنید؛ چنانکه خداوند را، زیرا که شوهر سر زن است؛ چنانکه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات‌دهنده بدن است. لیکن همچنان که کلیسا مطیع مسیح است، همچنین زنان نیز شوهران خود را در هر امری باشند. (کتاب مقدس، افسسیان ۵: ۲۲، ۲۳، ۲۴)

همچنین قانون کلیسا زن را موظف به اطاعت از شوهر نموده و تقریباً همسران را کنیزکان مردان قرار داده است؛ چرا که این مرد بود که شبیه خداوند آفریده شده بود نه زن. (دورانت، ۱۳۴۳، ج: ۱۱۱۱ و ۱۱۱۲: رساله اول پولس به تیموثیوس، ۲: ۱۲ و ۱۴ به نقل از شهریاری: ۱۷۱) از این رهگذر زن مورد ظلم و تعدی بوده است و از چتر حمایتی قانون برخوردار نبوده است؛ مثلاً بر اساس انجیل کاتولیک، اگر یک مرد، زنش را متهم به بی‌عفتی نماید، شهادت آن زن، به هیچ‌وجه مورد ملاحظه قرار نخواهد گرفت. زن متهم شده، باید مورد محاکمه سختی قرار گیرد تا مشخص شود او مجرم است یا بی‌گناه. (انجیل کاتولیک، فصل ۲۶، آیات ۱۰ و ۱۱) بر اساس تعالیم آیین یهود زن جزء مال و دارایی شوهر به حساب می‌آید. (تلمود، گیت ۶۲ به نقل از: [wikifeqh.ir](http://wikifeqh.ir)) در تورات زن به‌عنوان عامل شیطان در فریب مرد در عالم طبیعت دانسته شده و نیز یکی از کارگزاران شیطان محسوب شده که بایستی از مکر آن بر حذر بود. (امی، ۱۳۶۷: ۱۷) احتمالاً به همین جهت است که در عهد جدید به مجرد توصیه می‌شود: «مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند.» (رساله پولس به قرنتیان، باب ۷، آیه اول) اما این کار دشوار است و از عهده مرد بر نمی‌آید که به زن نزدیک نشود.

این نکته هم از متون دینی یهود قابل ذکر است که تجاوز به زنان دیگر ادیان از نظر یهودی زنا محسوب نمی‌شود؛ زیرا زنی که از بنی اسرائیل نباشد، مانند بهایم است، در بهایم و مانند آن عقدی وجود ندارد؛ بنابراین، به‌عنوان مثال، یهودی که زن مسیحی را مورد تجاوز قرار دهد، مرتکب حرام نشده است. خاخام «تام» که در قرن سیزدهم در فرانسه بود، گفته است: «زنا با غیر یهود کیفری ندارد؛ زیرا بیگانگان (غیر یهود) از نسل حیوانات هستند.» (علوی نژاد، [maarefquran.org](http://maarefquran.org) و [rasekhoon.net](http://rasekhoon.net))

از دیگر آموزه‌هایی که درباره زن در کتاب مقدس آمده است، این است که درد زایمان و حکمرانی مرد بر زن جزا برای زن دانسته می‌شود. (تورات، پیدایش، باب ۳، فقره ۱۶) همچنین درباره زن یهودی احکام دشواری وجود دارد. بر اساس تلمود، زن یهودی حق هیچ‌گونه شکایتی ندارد، حتی اگر شوهرش در همان مسکن که همسرش با او زندگی می‌کند، با کسی زنا کند. هنگامی که خاخام (یوخنان) گفت: لواط کردن زوجه حرام است. با او به مقابله برخاستند و گفتند: در شریعت یهود تحریمی بر این مسئله وجود ندارد. یهودی با زنش هر کاری که انجام دهد خطا نخواهد بود، در مسائل زناشویی هر روشی که داشته باشد مجاز است، زن برای بهره‌برداری مرد، مانند قطعه گوشتی است که آن را از قصاب خریده باشد، آدمی می‌تواند به مقتضای اشتهای خود آن را آب پز کند یا بریان کند و بخورد، مثل می‌زنند که زنی پیش خاخام آمد و از شوهرش شکایت کرد که برخلاف عادت با وی آمیزش می‌کند، خاخام به او پاسخ داد: دخترم، من نمی‌توانم او را از این کار منع کنم، برای این که شرع، تو را همچون قوتی برای شوهرت قرار داده است. (علوی نژاد، [maarefquran.org](http://maarefquran.org) و [rasekhoon.net](http://rasekhoon.net))

همچنین از نظر مسیحیت زن وسوسه‌ای طبیعی، مصیبتی مطلوب، خطری خانگی، جذبه‌ای مهلک و آسیبی رنگارنگ دانسته شده است. چراکه زن بود که آدمی را از فردوس برین محروم ساخت و هنوز هم آلتی مطلوب در دست شیطان برای اغفال مردان و فرستادن آنان به دوزخ است. (حمید شهریاری: سادات حسینی، زمستان ۱۳۸۸: ۱۷۱)



یکی از موضوعات مهم در عهدین قوانین سخت گیرانه آن در خصوص طلاق است. به طور کلی مسیحیت از طلاق نفرت و انزجار دارد، عهد جدید صریحاً از ازدواج لاینحل و ابدی جانب داری می کند. این نسبتی است که به عیسی علیه السلام می دهند، او گفته است:

اما من به شما می گویم هر کس زنش را طلاق دهد، مگر در مورد بی ایمانی در امر ازدواج، باعث گردیده که او به انحراف کشیده شود و هر کس زن طلاق داده شده را به نکاح درآورد مرتکب انحراف شده است. (انجیل متی، فصل ۵، آیه ۳۲)

تقریباً عین همین عبارت در باب ۱۹ نیز آمده است؛ (انجیل متی، باب ۱۹، فقره ۹) اما از دیگر سو در آیین یهود به بهانه های واهی زن طلاق داده می شود و تلمود، چندین عمل جزئی و کوچک را مطرح نموده که شوهران را مجبور می سازد تا زنان را طلاق دهند:

اگر در خیابان غذا خورد، اگر نوشیدنش در خیابان طولانی شد، اگر در خیابان فرزندش را شیر داد، در هر مورد، ربی میر باروخ (۱۲۱۵ تا ۱۲۹۳ م یکی از مفسرین تلمود) می گوید: باید شوهرش را ترک کند. (تلمود، گیت، ۸۹. به نقل از: [wikifeqh.ir](http://wikifeqh.ir))

بر اساس تعالیم تلمود اگر یک مرد زنی را گرفت و با او به مدت ده سال زندگی کرد و او بچه دار نشد، مرد باید او را طلاق دهد. (تلمود، یب. ۶۴. به نقل از: [wikifeqh.ir](http://wikifeqh.ir))

همچنین بر طبق تعالیم عهدین زنی که حیض می بیند؛ تا هفت روز نجس است و اگر کسی هم به او دست بزند نجس می شود:

زن تا هفت روز بعد از عادت ماهانه اش شرعاً نجس خواهد بود. در آن مدت هر کس به او دست بزند تا غروب نجس خواهد شد و او روی هر چیزی بخوابد یا بنشیند، آن چیز نجس خواهد شد. اگر کسی به رختخواب آن زن یا به چیزی که روی آن نشسته باشد دست بزند باید لباس خود را بشوید و غسل کند و شرعاً تا غروب نجس خواهد بود. مردی که در این مدت با او نزدیکی کند، شرعاً تا هفت روز نجس خواهد بود و هر رختخوابی که او روی آن بخوابد نجس خواهد بود. (سفر لاویان، باب ۱۵، شماره ۱۹ تا آخر)

نجس شدن زن به همین جا ختم نمی شود؛ بلکه بر اساس کتاب مقدس، زایمان نیز موجب نجاست زن می شود، اگر پسر زایید هفت روز و اگر دختر زایید چهارده روز نجس خواهد بود. (کتاب مقدس، لاویان ۱۲: ۱-۵) همچنین زن پس از دو بار طلاق نجس می شود و همسر اولش به خاطر همین نجاست وی نمی تواند با او ازدواج کند؛ (تثنیه، باب ۲۴ فقره ۴) البته در



تلمود ادعا می‌شود که کتاب مقدس زن را در اجرای همه قوانین تورات با مرد برابر دانسته است (گنجینه‌ای از تلمود: ۱۷۸) و حتی عقل و فهم زن را بیشتر از مرد می‌داند؛ (گنجینه‌ای از تلمود: ۱۷۹) اما نمی‌گوید در کجای کتاب مقدس چنین حکمی شده است. در عهدین نیز به محبت به زنان توصیه می‌شود:

باید مردان، زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند؛ زیرا هر که زوجه خود را محبت نماید، خویشتن را محبت می‌نماید؛ زیرا هیچ‌کس هرگز جسم خود را دشمن نداشته است؛ بلکه آن را تربیت و نوازش می‌کند؛ چنان‌که خداوند نیز کلیسا را، از آن‌رو که از بدن وی می‌باشد از جسم و از استخوان‌های او. از اینجاست که مرد پدر و مادر را رها کرده با زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یک‌تن خواهند بود. (عهد جدید، رساله پولس به اتیان، باب ۵، ۲۸ تا ۳۲)

### ب) جایگاه زن (همسر) در قرآن

زن به‌عنوان همسر و شریک زندگی مرد در قرآن جایگاه ممتاز و شایسته‌ای دارد. برخلاف دیدگاه‌هایی که همسر را همچون شیء می‌دانستند و برای او ارزشی قائل نبودند، ارزش و اعتبار خاصی به زن قائل است. بر اساس گفته برخی پژوهشگران بیش از ۴۰۰ آیه در قرآن در مورد ارزش زن آمده است. (حمید شهریاری: سادات حسینی، زمستان ۱۳۸۸: ۱۷۴) در متون دینی اسلام زن همانند مرد بنده خدا است و قبل از آن که مطیع بی‌چون‌وچرای همسرش باشد باید از خداوند متعال اطاعت نماید. عقد ازدواج سند رقیبت و بردگی زن نیست؛ بلکه پیمانی است که وظایف و حقوقی را برای هر دو طرف به وجود می‌آورد. قرآن کریم ذیل آیه ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره: ۲۲۸) از وظایف متقابل

زوجین سخن می‌گوید. به عبارتی وظایف و حقوق را از گزینه‌های دوسویه‌ای می‌داند که در زندگی زناشویی هم باید مراعات شود. این‌گونه نیست که فقط زن در قبال شوهرش موظف به انجام وظایفی باشد و هیچ‌گونه حقوقی بر شوهر نداشته باشد. در متون شریعت اسلام، بر جایگاه والای زن در محیط خانواده تأکید شده است. خداوند متعال در قرآن کریم مردان را به معاشرت نیکو با زنان سفارش می‌کند و به مردان دستور می‌دهد با زنان به

شایستگی رفتار کنند (نساء: ۱۹) و اصل مهم بر روابط زوج‌ها را حسن معاشرت قرار می‌دهد. بر اساس گفته برخی پژوهشگران واژه معروف ۳۸ بار در قرآن به کار رفته که نوزده مورد آن، توصیه به شوهران در مورد معاشرت با همسران است. (حمید شهریاری: سادات حسینی، زمستان ۱۳۸۸: ۱۷۵) ویل دورانت در این خصوص می‌نویسد:

رسم زنده‌به‌گور کردن دختران، بافرمان قرآن از میان برداشته شد و زن و مرد از لحاظ تشریفات قضایی و استقلال مالی برابر شدند. به زن اجازه داده شد تا به هر صورت که مایل است در مال خویش تصرف کند. این انقلاب فرهنگ جاهلی را که در آن زن چون اناث منزل به پسر می‌رسید باطل کرد. (دورانت، ۱۳۴۳، ج ۱: ۲۳)

در قرآن کریم برخورد شایسته و کریمانه و رضایت‌بخش و رفتار و گفتار زیبا و مصلحانه و نیکو با زنان توصیه می‌شود. (آیات ۲۲۸ تا ۲۳۲ بقره و آیات ۵ و ۱۹ سوره نساء)

اسلام تنها به اصلاح و بهبود حقوق اجتماعی زن اکتفا نکرد؛ بلکه در حوزه عبادت، زن را هم‌ردیف مردان و ملاک رستگاری آنان را عمل صالح قرار داد: «هر کس از مرد و زن عمل شایسته کند و مؤمن باشد، او را زندگی نیکو دهیم و پاداش‌شان را بهتر از آنچه عمل می‌کرده‌اند می‌دهیم.» (نحل: ۹۷) اسلام تمام اجر و پاداش‌هایی را که در قبال اعمال صالح برای مردان در نظر گرفته بود، برای زنان نیز در نظر گرفت و از این جهت هیچ تبعیضی قائل نشد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۷) «خدا اهل ایمان را از مرد و زن وعده فرموده که در بهشت خلد ابدی که زیر درختانش نهرها جاری است، درآورد و در عمارات نیکو و پاکیزه بهشت عدن منزل دهد و بزرگ‌تر از هر نعمت، مقام رضا و خشنودی خداست و آن به حقیقت پیروزی بزرگ است.»

همچنین قرآن کریم همان‌گونه که از مردان برگزیده‌ای در طول تاریخ به نیکی یاد می‌کند و از آن‌ها به‌عنوان الگو برای دیگران یاد می‌کند، (آل عمران: ۳۳؛ احزاب: ۴۱؛ ممتحنه: ۴ و ۶) زنانی را نیز به‌عنوان الگو و نمونه نه تنها فقط برای زنان بلکه حتی برای مردان نیز الگو و نمونه معرفی می‌کند:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ\* وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا إِذْ قَالَتْ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً﴾ (تحریم: ۱۱ و ۱۲) «و خدا برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده است، هنگامی که گفت: پروردگارا! برای من نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش رهایی بخش و مرا از مردم ستمکار نجات ده \* و [نیز] مریم دختر عمران [را مثل زده است] که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از اطاعت‌کنندگان [فرمان‌های خدا] بود.»

روایات رسیده از پیشوایان دینی هم در راستای قرآن کریم جایگاه ممتاز زن را تأیید نموده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی ما أكرم النساء إلا کریم و لا أهانهن إلا لئیم. (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴: ۵۵؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۲) «بهترین شما کسی است که برای زن و دخترانش بهترین باشد. زنان را گرامی نمی‌دارد، مگر کریم و به زنان اهانت نمی‌کند، مگر انسان لئیم و پست.»

و نیز می‌فرماید: «مردی که زنان را بیشتر دوست داشته باشد، ایمانش فزونی می‌یابد.» (وسائل الشیعه، ج ۱۲: ۹) همچنین پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ اجر شهید را برای زنانی که باایمان‌اند و شوهر خود را دوست دارند و کانون خانواده را در مسیر تعالی به قرب الی‌الله سوق می‌دهند، بیان داشته‌اند و خوب شوهرداری کردن را جهاد زنان معرفی فرموده و رحمت خداوندی را شامل زنی که به خانه و خانواده خدمت می‌کند، دانسته است. همچنین توصیه به دوستی و احترام و اکرام همسر نموده است و اظهار محبت به همسر را نشانه کمال ایمان مرد دانسته است. (بانکی پور فرد، بهار ۸۵: ۴۷ و ۴۸) امام صادق علیه السلام دوستی زنان را از جمله اخلاق پیامبران علیهم السلام ذکر می‌کند. (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق، ج ۳: ۲۸۲؛

فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۱: ۲۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰: ۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۰: ۲۳۶)

## ۶. جایگاه مادر

### الف) جایگاه مادر عهدین

در فقراتی از انجیل یوحنا زن به عنوان مادر به گونه‌ای تحقیر می‌شود. بر اساس انجیل یوحنا، عیسی مسیح حاضر نیست با مادر خود هم کلام شود و صراحتاً به او می‌گوید: ای زن، مرا با تو چه کار است؟ (انجیل یوحنا، باب دوم فقره ۴)

ولی در انجیل متی به احترام والدین توصیه می‌شود که پدر و مادر خود را محترم بدانید و آشنای خود را چون خود دوست بدارید. (انجیل متی باب ۱۹ فقره ۱۹) در تورات هم به احترام پدر و مادر توصیه می‌شود:

پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که خدایت به تو بخشیده است طولانی گردد. (تورات سفر خروج باب ۲۰ فقره ۱۲)

در مقام ترجیح پدر یا مادر، احترام پدر نسبت به مادر از منزلت فزون‌تری برخوردار است. اگر اشکالی در وظایف فرزند در قبال والدین پیش آمد کند، وی باید پدر را ارجح بداند و به سخن او گوش کند (کهن، ۱۳۸۲: ۲۰۰) و جزای قتل را برای کسی که پدر یا مادرش را بزند یا لعنت کند، در نظر گرفته است و صراحتاً می‌گوید:

هرکس پدر یا مادرش را بزند، باید کشته شود. (سفر خروج، باب ۲۱، فقره ۱۵)

یا در فقره‌ای دیگر می‌گوید:

هرکس پدر یا مادر خود را لعنت کند، باید کشته شود. (سفر خروج، باب ۲۱، فقره ۱۷)

### ب) جایگاه مادر قرآن

یکی از امتیازهای زن در دین اسلام، مقام مادری است که بارزترین مشخصه زن در عرصه خانواده و اجتماع به شمار می‌رود. خداوند در قرآن کریم به احسان و نیکی به پدر و مادر سفارش می‌کند؛ در عین زمانی که سختی‌های مادر را در حمل و وضع یادآور می‌شود،

می‌فرماید: انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج و زحمت او را باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید؛ تا زمانی که به رشد و نیرومندی خود و به چهل سالگی برسد، گوید: پروردگارا! به من الهام کن تا نعمت را که بر من و پدر و مادرم عطا کرده‌ای سپاس گزارم، (احقاف: ۱۵) در آیه‌ای دیگر به فروتنی و تواضع و محبت دستور می‌دهد و به انسان، دوران کودکی‌اش را یادآور می‌شود:

﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾ (اسراء:

۲۴) «و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده.»

پیشوایان دینی هم به مقام و جایگاه مادر زیاد سفارش می‌کردند. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ بوسیدن پیشانی مادر را موجب مصونیت از آتش جهنم ذکر می‌کنند و می‌فرمایند:

من قبل بین عینی أمه کان له ستر من النار؛ هر که پیشانی مادر خویش را بیوسد از

آتش جهنم مصون شود. (پاینده، ۱۳۸۲ ش: ۷۵۱)

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی در این خصوص خوشحال کردن والدین را سبب طولانی شدن عمر ذکر می‌کند و نیکی به پدر و مادر را موجب زیادی رزق و روزی و عمر برمی‌شمارد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸: ۳۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱: ۸۱؛ طبرسی، ۱۳۸۵ ق: ۱۶۲)

امام سجاده علیه السلام در خصوص حق مادر، از سختی‌های زمان بارداری، تغذیه فرزند و از ثمره جان مادر یاد می‌کند. از اینکه وی تشنگی را تحمل کرده تا فرزندش سیراب باشد، مادر برهنه مانده تا بدن فرزندش برهنه نباشد، از بدخواهی‌ها، از تحمل سرما و گرما به خاطر فرزند یاد می‌کند و تشکر و سپاسگزاری از مادر را فقط با کمک و توفیق الهی ممکن می‌داند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۶۲۱) در مقام تقدم نیکی، اول به نیکی و احسان به مادر توصیه می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:



برَّ اُمِّكَ ثُمَّ اَبَاكَ (ورام بن اُبی فراس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۱۱۹) به مادرت نیکی کن سپس

به پدرت.

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: زمانی که موسی بن عمران علیه السلام از خداوند نصیحت خواست؛ خداوند سه مرتبه به او توصیه کرد که به مادرش نیکی کند و مرتبه چهارم به نیکی به پدرش سفارش کرد. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۶۸؛ طبرسی، ۱۳۸۵ ق: ۱۶۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۴۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۸: ۴۲۲)

### نتیجه

آنچه از عهدین در خصوص آفرینش انسان استفاده می‌شود، این است که وجود مرد، اصلی و زن طفیلی و تبعی است. برای آنکه مرد تنها نماند خداوند زن را از دنده چپ وی آفرید. این در حالی است که تنهایی آدم با آفرینش حیوانات متعدد از بین نرفت و خداوند چاره کار را در آفرینش حوا دید. از نگاه تورات زن، حیوانی است که به انسان شباهت دارد. از نظر تورات آفرینش زن فقط از جسم، مایه گرفته درحالی که خداوند آدم علیه السلام را از جنس خود آفریده است؛ اما در قرآن مرد و زن از یک مایه وجودی آفریده شده‌اند. وجود اصلی و تبعی و طفیلی در آفرینش آن‌ها وجود ندارد. بلکه هر دو به‌طور مساوی در مفهوم انسانیت شریک‌اند و مکمل یکدیگر در این مفهوم‌اند.

تولد دختر در میان یهودیان و مسیحیان ناخوشایند و دردآور و غمبار بوده و موجب خسارت و بی‌آبرویی دانسته می‌شده است؛ درحالی که در قرآن دختر هدیه الهی دانسته شده است و پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله دختر را ریحانه می‌دانسته‌اند. در تورات از فروش دختر به‌عنوان کنیز سخن گفته شده و عملی ناپسند دانسته نمی‌شود. قرآن از دختران زنده‌به‌گور شده با تأسف و تأثر یاد می‌کند. در صورتی که تورات زنانی را که دختر می‌زایند دو برابر مدت‌زمانی که پسر می‌زایند نجس می‌داند. تعلیم دختر از دیگر موارد ممنوعه‌ای است که در عهدین وجود دارد. درحالی که قرآن با بیان‌های عام و فراگیر به تعلیم و تعلم فرمان می‌دهد. توصیه‌های زیادی در متون دینی اسلام و قرآن درباره دختر و گرامی داشتن آن آمده است و حتی در بسیاری از مواقع دختر بر پسر ترجیح داده می‌شود و بهترین فرزند

دانسته شده است. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ با عبارت «رحم الله ابا البنات» پدر دختر را تکریم نموده است. بنا به فرمایش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الصغری امام دوازدهم شیعیان الگو بودن حضرت زهرا علیها السلام برای آن حضرت از دیگر موارد تکریم و احترام جنس زن در دین اسلام است.

مقام زن به عنوان همسر و شریک زندگی مرد در متون دینی مسیحیت و یهود در حد حیوانات سقوط می‌کند. زن نه شریک زندگی مرد؛ بلکه به منزله کنیز و بنده‌ای نزد وی است. زن جزء مال و دارایی شوهر حساب می‌شود. همچنین از نظر مسیحیت زن وسوسه‌ای طبیعی، مصیبتی مطلوب، خطری خانگی، جذبه‌ای مهلک و آسیبی رنگارنگ دانسته شده است. افراط در طلاق در آیین یهود و تفریط در آیین مسیحیت از دیگر مواردی است که به چشم می‌خورد. نجس بودن زن در ایام عادت ماهانه و زایمان و پس از دو بار طلاق داده شدن از قوانین توهین‌آمیز دیگری است که در تورات وجود دارد. اگرچه در فقراتی در عهد جدید به محبت کردن به زن نیز توصیه می‌شود.

اما در قرآن زن نه برده و کنیز مرد بلکه شریک زندگی وی و بدون هرگونه تبعیضی بنده خدا محسوب می‌شود. در اسلام زن شریک زندگی مرد بوده و با اختیار کامل تن به پیمان زناشویی می‌دهد که طی آن تکالیف و وظایفی بر عهده هر دو یعنی زن و مرد به وجود می‌آید. نه آنکه همیشه زن در قبال مرد وظیفه‌دار و مرد دارای حقوق باشد. در اسلام زن در تمام شئون زندگی مستقل و صاحب‌اختیار و اراده تام و کامل است و از حقوق یک انسان بهره‌مند است. آیات زیادی در تکریم و احترام زن وجود دارد. حقوق و وظایف زن و مرد در قرآن و متون دینی اسلام دوسویه و دوطرفه است. در روایات زیادی توصیه‌های اکید به دوستی و محبت نسبت به زنان و همکاری و همیاری با آنان در خانه و خانواده می‌شود. اهانت به زنان نشانه لثامت و پستی دانسته شده است. در قرآن کریم از زنان باایمانی همچون همسر فرعون و مریم علیها السلام که الگوی نه تنها زنان بلکه اسوه و مقتدای مردان نیز هستند، یاد می‌شود. از زنان فرمانروایی چون ملکه سبا یاد می‌کند که با رفتار عاقلانه مسیر حق پیمود. می‌توان گفت در اسلام زن مقام شایسته و منطقی و درخور شأن



خود را یافته و به‌عنوان یک انسان با تمام حقوق و تکالیف پا به عرصه وجود و اجتماع گذاشته و همانند یک مرد مسئولیت بدوش بوده و همسان وی از تکالیف و وظایف برخوردار است. در اسلام نه انسانیتش فراموش شده و نه زن بودنش؛ بلکه متناسب با این دو فاکتور بر عهده زن تکالیفی وضع شده و حقوق در نظر گرفته شده است. شهید مطهری معتقد است اسلام با تعالیم خود احیاگر حقوق زن است؛ به‌ویژه قرآن در عصر نزولش گام‌های بلند و اساسی را به سود زن و حقوق او برداشت؛ ولی هرگز در این میان زن بودن زن و مرد بودن مرد را نادیده نگرفت؛ بلکه زن را همان‌گونه دید که در طبیعت است. زن در قرآن همان زن در طبیعت است. کتاب قرآن با کتاب تکوین یا طبیعت یک برداشت را ارائه کرده‌اند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۶)

موضع عهدین در خصوص مادر گاهی به قسمی تحقیرآمیز و گاهی توصیه به احترام به پدر و مادر است. تورات برای طولانی شدن عمر به احترام پدر و مادر توصیه می‌کند و در مقام ترجیح پدر یا مادر، پدر را ترجیح می‌دهد. حتی جزای قتل برای کسی که پدر و مادرش را بزند یا لعنت کند در نظر گرفته است.

قرآن و پیشوایان دینی به احسان و نیکی به پدر و مادر و تواضع و فروتنی در برابر آن‌ها سفارش می‌کند و خوشحال کردن والدین را سبب طولانی شدن عمر برمی‌شمارند؛ اما در مقام ترجیح، خدمت به مادر ترجیح داده می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت سه دین آسمانی یهودیت و مسیحیت و اسلام به احترام و نیکی به والدین سفارش‌های اکید دارند و نکته قابل توجه اینکه یهودیت و اسلام مشترکاً احترام و نیکی به والدین را سبب طولانی شدن عمر فرزند می‌دانند؛ اما در مقام ترجیح، اسلام، مادر و تورات پدر را ترجیح می‌دهد.



## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- تورات.
- انجیل.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ق)، *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، ج ۱، دار سید الشهداء للنشر، قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی*، ج ۶، کتابچی، تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲ دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- امی، محبوبه (اردیبهشت ۱۳۶۷)، «آفرینش زن در ادیان»، زن روز، مؤسسه کیهان، تهران.
- بانکی پور فرد، امیرحسین، (بهار ۱۳۸۵) «کرامت زن در اندیشه‌های قرآنی»، فصلنامه قرآنی کوثر، ش ۲۰، سال ششم.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، مؤسسه بعثه، قم.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، ج ۴، دنیای دانش، تهران.
- تاجری نسب، غلامحسین و بهادری، اعظم (بهار ۱۳۸۹)، «بررسی آفرینش زن در قرآن، احادیث و تورات»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ش ۶، سال اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱)، *زن و خانواده در افق وحی*، ج ۱ بوستان کتاب، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *زن در آئینه جلال و جمال الهی*، نشر اسراء، قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *تفصیل وسائل الشیعة*، مؤسسه آل‌البتیة، قم.
- دورانت، ویل (۱۳۴۰)، *تاریخ تمدن*، ترجمه جمعی از مترجمان، اقبال، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۹)، *لغت‌نامه دهخدا*، سیروس، تهران.



- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (بی تا)، *النوادر*، ج ۱، دار الکتاب، قم.
- ربانی خلخالی، علی (۱۳۹۹ق)، *زن از دیدگاه اسلام*، حجت، قم.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳)، *فروغ ابدیت*، ج ۲۱، بوستان کتاب، قم.
- سداوی، نوال (۱۳۹۵)، *چهره عربان زن و عرب*، ترجمه مجید فروتن و رحیم مرادی، اندیشه‌های نوین، تهران.
- شهریاری، حمید و حسینی، سادات (زمستان ۱۳۸۸)، «مقایسه متون مربوط به زن در قرآن، تورات و انجیل»، بانوان شیعه، سمت، ش ۲۲، سال ششم.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، ج ۴، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- طاهری، ابراهیم (۱۳۷۵)، *بررسی مقام زن، دیدگاه‌ها و ارائه الگوی پرتو*، صدوق، تهران.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۹۸۲)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، *مکارم الأخلاق*، ج ۱، شریف رضی، قم.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵)، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، ج ۲، المكتبة الحیدریة، نجف.
- طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة*، ج ۱، دار المعارف الإسلامية، قم.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، ج ۴، اسماعیلیان، قم.
- علوی نژاد، سید حیدر، «آفرینش زن در قرآن، کتاب مقدس و اسرئیلیات»، دانشنامه موضوعی قرآن، ([maarefquran.org](http://maarefquran.org) - [rasekhoon.net](http://rasekhoon.net)).
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸ق)، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، المطبعة العلمية، تهران.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، رضی، ایران، قم.

- فضل الله، سید محمدحسین «شخصیت و نقش فعال زن در زندگی از دیدگاه قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ترجمه اسماعیل باغستانی، دانشنامه موضوعی قرآن، (maarefquran.org).
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، ج ۲، مکتبه الصدر، تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ ق)، *الوافی*، ج ۱، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان.
- قائمی، علی (۱۳۶۳)، *نظام حیات خانواده*، شفق، تهران.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- کمالی، سید علی (۱۳۷۵)، *قرآن و مقام زن*، ج ۴، اسوه، تهران.
- کهن، آبراهام (۱۳۸۲)، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیر فریدون گرگانی، به اهتمام امیرحسین صدری پور، انتشارات اساطیر، بی‌جا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، ج ۴، دار الکتب الإسلامية، تهران.
- لویون، گوستاو (۱۳۳۴ق)، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۴، نشر بنگاه علی‌اکبر علمی، قم.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، ج ۲، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ ق)، *مرآة العقول*، ج ۲، دار الکتب الإسلامية، تهران.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، *نظام حقوق زن در اسلام*، انتشارات صدرا، ج ۱۴، تهران.

- موسوی مبلغ، سید محمدحسین، «بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان؛ اسلام و فمینیسم»، دانشنامه موضوعی قرآن، (maarefquran.org).
- نوری، یحیی (۱۳۵۳)، جاهلیت و اسلام، ج ۴، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی، تهران.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ق)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱ مکتبه فقیه، قم.

